

## The Role of Wisdom in the Realization of the Ideal Society in Surah Al-Asr

Hamideh Mazaheri Saif<sup>ID</sup>

Ph.D., Department of Islamic Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. h.mazaheri20@yahoo.com

### Abstract

The purpose of this study is to examine the role of wisdom in the realization of the ideal society in Surah Al-Asr. This study utilizes a combination of rational and narrative methods, with a collective and objectivist approach. The role of wisdom in the realization of the ideal society is analyzed through the interpretation of Surah Al-Asr. The findings reveal that wisdom is divided into two parts: theoretical and practical. Theoretical wisdom is manifested in theological insights that possess a dynamic and pragmatic spirit, referred to as faith. True faith always encompasses righteous deeds and is oriented towards happiness, with the complete realization of worldly happiness for human society found in the ideal society. Practical wisdom is observed in the management of individual actions (ethics) and collective actions (family and society). Each of these types plays a significant role in the path to realizing the ideal society. The actualization of individual ethics and moral action stems from true faith. If the members of society possess ethical virtues and abstain from vices, the ideal society will be realized. The ideal society consists of families managed by individuals with true faith. The happiness of society, exemplified in the ideal society, results from the policies and governance of the leader of the society. The leader represents the utmost embodiment of the integration of theoretical and practical wisdom in the pursuit of the ideal society. In Surah Al-Asr, "Asr" symbolizes the ideal society. Faith, righteous deeds, enjoining truth, and enjoining patience are practical means to achieve the ideal society. Faith and truth are examples of theoretical wisdom, while righteous deeds and patience are examples of practical wisdom. The juxtaposition of these concepts, their logical analysis, and the collective application of the pronouns and verbs in "tawāṣaw" (enjoining) signify the collective teachings of this Surah, based on the utilization of theoretical and practical wisdom, aimed at achieving collective happiness (the ideal society).

**Keywords:** Surah Al-Asr, Theoretical wisdom, Practical wisdom, Ideal society.

---

Received: 2021-10-27 ; Received in revised form: 2021-11-16 ; Accepted: 2021-12-10 ; Published online: 2024-01-21  
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.541226.1765>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## نقش حکمت در تحقق مدینه فاضله در سوره والعصر

حمیده مظاهری سیف<sup>id</sup>

دکتری، گروه فلسفه اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. h.mazaheri20@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش حکمت در تحقق مدینه فاضله در سوره والعصر است. در پژوهش حاضر از تلفیق روش عقلی و نقلی، با رویکرد جمعی و عینیت‌گرایانه استفاده شده است. در این نوشتار نقش حکمت در تحقق مدینه فاضله با محوریت تفسیر سوره عصر بررسی شد. نتایج نشان داد که، حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری در الهیاتی بینش‌گرا که دارای روح پویا و عمل‌گرایانه است و ایمان نامیده می‌شود، تبلور می‌یابد. ایمان حقیقی همواره مشتمل بر عمل صالح است و رو به سوی سعادت دارد و تحقق کامل سعادت دنیوی جامعه بشری، در مدینه فاضله مصداق می‌یابد. حکمت عملی در دو قسم تدبیر افعال فردی (اخلاق) و تدبیر افعال جمعی (خانواده و جامعه) قابل ملاحظه است. هر کدام از این اقسام نقش مؤثری در مسیر تحقق مدینه فاضله دارند. به فعلیت رسیدن اخلاق فردی و عمل اخلاقی، ناشی از ایمان راستین است. در صورتی که اعضای جامعه دارای فضایل اخلاقی باشند و از ردایل تبری بجویند، مدینه فاضله محقق می‌شود. مدینه فاضله متشکل از خانواده‌هایی است که تحت تدبیر افراد با ایمان حقیقی هستند. سعادت‌مندی جامعه که در مدینه فاضله مصداق می‌یابد، ناشی از تدابیر و سیاست حاکمه و برعهده رئیس مدینه است. رئیس مدینه نماد اتم و اکمل شمولیت حکمت نظری و عملی در راستای تحقق مدینه فاضله است. در سوره والعصر، «عصر» نماد مدینه فاضله است. ایمان و عمل صالح و توأسی به حق و توأسی به صبر، راهکارهای عملی رسیدن به مدینه فاضله است. ایمان و حق مصادیق حکمت نظری و عمل صالح و صبر، مصادیق حکمت عملی هستند. قرار گرفتن این مصادیق در کنار هم و عطف آنها به یکدیگر و تحلیل منطقی «توأصوا» و غایت واحد آنها و کاربرد ضمائر و افعال به صورت جمع و تحلیل صرفی «توأصوا»، گواه بر آموزه‌های جمعی این سوره، مبتنی بر بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی، جهت نیل به سعادت جمعی (مدینه فاضله) است.

واژه‌های کلیدی: سوره والعصر، حکمت نظری، حکمت عملی، مدینه فاضله.

استاد به این مقاله: مظاهری سیف، حمیده (۱۴۰۲). نقش حکمت در تحقق مدینه فاضله در سوره والعصر. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ۷-۲۲.

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.541226.1765>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.pas.ir>

© نویسنده‌گان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

سعادت‌طلبی، بشر را بر آن داشت که به اندیشه‌ورزی بپردازد و وحی الهی با هدف سعادت‌بخشی به انسان، این اندیشه‌ورزی را جهت‌دهی و هدایت کرده است. حکمت یا همان معارفی که در پی سعادت‌یابی است، به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. غایت حکمت نظری، شناخت حقیقت و غایت حکمت عملی، رسیدن به سعادت حاصل از شناخت حقیقت است. متفکران، سعادت بشری را اعم از سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند و سعادت دنیوی بشر را در تحقق جامعه آرمانی می‌جویند. طرح اندیشه مدینه فاضله که سعادت‌مندی دنیوی جامعه انسانی را به صورت نظام‌مند بررسی می‌کند؛ در نظام فکری اسلام توسط فارابی طرح و تبیین گردید و توسط دیگر متفکران پیگیری شد. معارف و حیانی نیز در کنار عقلانیت، در طرح‌ریزی جامعه آرمانی حضوری آشکار و پنهان دارد. برخی از تعالیم وحی آشکارا درباره نقشه راه تحقق مدینه فاضله سخن می‌گویند و برخی دیگر مجمل و در لایه‌های مختلف تربیتی و الگوسازی تعلیم می‌دهند. به نظر می‌رسد سوره والعصر از جمله سوره‌هایی است که وجه بارز و تفسیری آن در قالب ظاهری اعتقادی و اخلاقی است. اما چنانچه با نظرگاه حکمی و با رویکرد مدنی در این آیات غور شود؛ جنبه اجتماعی آن با تمرکز بر تحقق مدینه فاضله حاصل می‌شود. تفاسیر این سوره غالباً ناظر بر وجه اخلاقی و عبرت‌آموزی فردی است. نوعی تنبّه به انسان غفلت‌زده و گرفتار در حصار مادی و زودگذر دنیا و جهت‌هدایت و نجات او است.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف عبور از لایه‌های ظاهری، درصدد نشان دادن بُعد اجتماعی این آیات و آگاهی‌بخشی جمعی به انسان‌ها است. همچنین در این مسیر از نظریه‌پردازی محض گذشته و عینیت‌یافتگی را در قالب مبانی مدینه فاضله به تصویر می‌کشد؛ تا روح‌بالندگی و پویایی آیات و حیانی را بیش از پیش نمایان سازد. اثبات روزآمد بودن و جریان داشتن آیات و حیانی در حیات بشر، و وابستگی تکامل و بهروزی انسان به قرآن، از ضروریات جامعه امروزی است. در این تحقیق تلاش بر آن است که داده‌های فلسفی را بر ساحت آیات و حیانی عرضه کرده و اصول زیستن سعادت‌مندانۀ جمعی را استنتاج کند. بر این مبنا، در پژوهش حاضر از تلفیق روش عقلی و نقلی، با رویکرد جمعی و عینیت‌گرایانه استفاده شده است. در بررسی ادبیات پیشین، پژوهشی مشابه موضوع تحقیق حاضر یافت نشد. تنها مقاله علی رفیعی (۱۳۸۴)، با عنوان «حیات طیبیه براساس حکمت نظری و عملی قرآن کریم»، تا حدودی مرتبط با نوشتار حاضر است. این تحقیق با محوریت چگونگی زندگی بشر، به تفسیر آیات مرتبط با حکمت عملی و نظری پرداخته و با نگاهی تفسیری، شاخصه‌های حیات طیبیه را ارائه داده است. پژوهش حاضر به دلیل مبتنی بودن بر تفسیر سوره عصر، با عرضه آموزه‌های حکمی بر آن و دستاوردهای اجتماعی از این سوره، بدیع به نظر می‌رسد.

## ۲. مفهوم‌شناسی حکمت و مدینه فاضله

فارابی ماهیت حکمت را، علم به واحد اول می‌داند که سایر موجودات از فضایل و کمالات او بهره‌مند هستند و نیز حکمت، آگاهی از چگونگی و میزان بهره‌مندی موجودات از کمال مبدأ اول است و علم به سعادت یعنی بزرگ‌ترین کمالی که انسان از او دریافت می‌دارد (فارابی، ۱۴۰۵ق: ص ۶۲). علامه طباطبایی حکمت را عبارت از قضایای حقه‌ای می‌داند که مطابق با واقع است؛ یعنی به نحوی مشتمل بر سعادت بشر است. مثلاً معارف حقه الهیه درباره مبدأ و معاد و معارفی از حقایق عالم که با سعادت انسان سروکار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۰۸). با نظر به دو تعریف فوق، از دو دیدگاه فلسفی و تفسیری به دست می‌آید که به لحاظ مضمون و غایت، هر دو تعریف ناظر به یک محتوا هستند. حکمت به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شود. دسته اول علمی که فقط قابل دانستن هستند و مورد عمل انسان واقع نمی‌شوند؛ مثل علم به یگانگی خدا. کمال این علوم در همین علم به آن‌ها است. دسته دیگر علمی هستند که هم باید دانسته و هم باید عمل شوند؛ مثل علم به قبح خیانت و حُسن نیکی به والدین. کمال این دسته از علوم در عمل به آن‌ها است و اگر مورد عمل واقع نشوند، بی‌فایده خواهند بود (فارابی، ۱۳۷۱: ص ۲۵۳).

فارابی در تعریف مدینه فاضله معتقد است: «آن مدینه که مقصود حقیقی اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول وصول به سعادت آدمی است، مدینه فاضله بود» (فارابی، ۱۳۶۱: ص ۲۵۵). از نظر وی، خیر افضل و نهایی یا سعادت، در مدینه فاضله حاصل می‌شود. در مدینه فاضله، رهبر، طریق عقل و حکمت و راه دریافت فیض الهی و کسب ملکات اخلاقی را مستقر می‌نماید و رذایل را رفع می‌کند، و عدالت کامل در این مدینه مستقر می‌شود (همان: ص ۲۵۱-۲۶۰). علامه طباطبایی نیز معنای مدینه تکامل یافته را در بهبود نظامات زندگی مردم می‌جوید (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۴، ص ۶۵).

## ۳. سوره والعصر مصداق مدینه فاضله

سوره عصر مشتمل بر ۳ آیه می‌تواند مصداقی از مدینه فاضله باشد. «واو» قسم در آیه اول «وَالْعَصْرِ» یا برای تأکید شدید مضمون و یا برای عظمت و شرافت آن امر، و یا بیان استدلال ضمنی آن امر (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۰۲-۳۰۷) است. از فواید سوگند در قرآن، تأکید بر درستی با جلب نظر شتونده نسبت به قداست مقسم است و به نظر می‌رسد قصد قرآن از سوگند خوردن، مورد دوم باشد (صدر، ۱۳۹۱: ص ۲۳۶). براساس همه موارد فوق، «عصر» گویای مفهومی همگانی و جاری در حیات و سرنوشت‌ساز برای بشر است. علامه طباطبایی مراد از عصر را عصر پیامبر (ص) می‌داند که همان عصر طلوع اسلام و زمان روشن شدن حق

بر باطل است (طباطبایی، بی تا: ج ۲۰، ص ۳۵۷-۳۵۶). شهید صدر نیز با تأیید این مطلب، قسم به آن را نشانه عظیم بودن و پر خیر و نور بودن آن می‌داند (صدر، ۱۳۹۱: ص ۲۴۲). علامه دلیل این مطلب را آیات بعد معرفی می‌کند؛ آیاتی که ناظر بر خسران آدمی است، مگر در صورتی که ایمان داشته و عمل صالح انجام دهد. به عبارت دیگر، منظور از «عصر»، دوران شکوفایی اسلام، یعنی دوران تشکیل حکومت نبوی در مدینه است. حکومتی که تمام شاخصه‌های مدینه فاضله را دارد. برخی مفسران ادعان دارند که خداوند یکبار در سوره بلد، به شهر محل تولد پیامبر (ص) یعنی مکه قسم خورده و یکبار هم به عصر ثبوت پیامبر (ص)، یعنی مدینه قسم خورده و آن را بزرگ شمرده است؛ زیرا در این زمان که دین بشر کامل شد، جهل، ظلم، فساد و طغیان با دولت پیامبر (ص) از بین رفت و برابری و برادری و عدالت جای آن‌ها را گرفت (محلاتی شیرازی، ۱۳۶۲: ص ۴۲). اما این ظلم و فسادها که جامعه انسانی را دربرگرفته بود و با تحقق مدینه فاضله نبوی از میان رفت، چیزی جز «خسر» در آیه بعد نیست «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (۲). در این آیه «خسر» به معنای نقص در سرمایه است؛ نقص در مورد خود انسان و هم عمل انسان. نکره بودن آن نشانه بزرگداشت و عظیم بودن این زیان است (طباطبایی، بی تا: ج ۲۰، ص ۳۵۷). این نقص در سرمایه بشر با تأکید بر عظیم بودن آن، بیانگر زیان بشر در همه ابعاد زندگی است و چون خطاب آیه نوع انسان است، و نه شخص یا گروه خاصی، پس جامعه بشری در زیان همه‌جانبه است. همچنین «فضل» ضد نقص و «خسر» نقص است. فضل، کمال را دربردارد. خسر، ضرر در اصل سرمایه است. پس، مدینه فاضله که به عنوان مصداق والعصر در نظر گرفته شد، نقطه مقابل خسر است. لذا، خسر را می‌توان مدینه جاهله خواند که انسان‌ها در آن نه راه سعادت، بلکه راه شقاوت را در پیش می‌گیرند و در بند جهل و ظلم و فساد هستند و برادری و عدالت از بین می‌رود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این معانی و مصادیق، به استناد دو آیه دیگر و ربط آنها، مسیر تحقق مدینه فاضله را نشان می‌دهد که الگوی تاریخی و محقق آن، دولت مدینه النبوی است.

#### ۴. نقش حکمت نظری در تحقق مدینه فاضله

حکمت نظری گاهی شناخت اموری است که وجودشان خارج از فعل انسان است و به سه بخش طبیعیات، ریاضیات و الهیات تقسیم می‌شود و مقصود آن حصول رأی است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷). گاهی نیز منظور پیشینیان از استعمال حکمت، به‌طور مطلق فلسفه اولی بوده است. به این معنا که حکمت اگرچه بر علوم طبیعی، ریاضی و حکمت عملی اطلاق می‌شده، اما استفاده از واژه حکمت برای اینگونه علوم، با قید همراه بوده است. اما برای فلسفه اولی، که بخشی از حکمت نظری بوده، از لفظ حکمت یا فلسفه

به طور مطلق و بدون تقید به قید خاصی استفاده می‌شده است (ابن‌سینا، ۱۳۹۵: ص ۴). می‌توان گفت در گذر زمان، اقسام حکمت نظری تحت الشعاع اهمیت و اعتبار فلسفه اولی قرار گرفتند. ریاضیات و طبیعیات کنار گذاشته شدند و تنها مصداق حکمت نظری، فلسفه اولی شد. به تدریج فلسفه اولی هم محدود به الهیات گردید. چنانچه در فلسفه صدر، مراد از حکمت شناخت حق تعالی، عقول، معاد و... است (اسدی، ۱۳۹۹). پس، در مباحث نظری ناظر به واقع، مصداق حکمت نظری، فلسفه اولی و مصداق فلسفه اولی، الهیات است. براساس تعاریفی که از حکمت ارائه شد، الهیات که مصداق بارز حکمت نظری است، نمی‌تواند صرفاً به معنای خداشناسی باشد. فارابی در تعریف خود از حکمت، دو وجه را لحاظ کرد. اول اینکه حکمت را علم به واحد اول دانست، و دیگر اینکه، حکمت را علم به سعادت، یعنی بزرگ‌ترین کمالی که انسان دریافت می‌کند، ملحق کرد. علامه طباطبایی نیز حکمت را قضایای حقه‌ای خواند که مشتمل بر سعادت انسان است. بنابراین، در مواجهه با الهیات، صرف «خداشناسی» دانستن آن، نمی‌تواند تمام معنای حکمت نظری را به صورت جامع دربرگیرد. چراکه در مفهوم حکمت، نوعی جهت‌دهی به حیات بشر در مسیر سعادت وجود دارد. برای اثبات این ادعا، مصادیق تاریخی وجود دارد؛ افرادی که با وجود خداشناس بودن، راه به سعادت نبرده و هم در حیات دنیوی با عواقب ناخوشایند روبه‌رو شدند، و هم طبق معارف دینی، در آخرت در خسران هستند.<sup>۱</sup> پس، برای اینکه الهیات بتواند مصداق شایسته حکمت نظری باشد؛ باید روحی در آن دمیده شود تا به الهیات، حیات هدایت‌گرانه ببخشد. با وجود این روح پویا و عمل‌گرایانه می‌توان حقیقت و غایت حکمت نظری را در الهیات جستجو کرد. الهیاتی که با این اوصاف ایمان‌ناامیده می‌شود.

ایمانی که قرار است این‌همانی حکمت نظری باشد، همان ایمان توصیه شده در سوره عصر است که انسان را از خسران و شقاوت رهیده و به سر منزل مقصود یعنی مدینه فاضله دنیوی و سعادت‌مندی اخروی می‌رساند. خواجه نصیرالدین معتقد است انسان برای نجات از خسران، باید نیروهای عقلانی خود را تکامل ببخشد و یکی از وسایل تحقق این امر، ایمان به معنای استکمال عقل نظری است (نوری، ۱۳۹۶: ص ۳۷). علامه در تعریف ایمان معتقد است: ایمان به هر چیز عبارت است از علم به آن، همراه با التزام به آن؛ به طوری که آثار علمش در عملش ظاهر شود (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۸، ص ۴۱۱). ایشان در جایی دیگر می‌گوید: ایمان نام تصدیق جزمی توأم با التزام است (همان: ص ۴۱۳). خواجه نیز عمل صالح را در این سوره به معنای استکمال عقل عملی می‌داند (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵ق: ص ۵۲۰)، که در پیوند و قربت ذاتی با عقل

۱. رک: کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، پاورقی ص ۷۹، مصادیق تاریخی در این باب بیان شده است.

نظری (ایمان) است.

در این تعاریف ایمان تنها شناخت و یا پذیرش عقلانی صرف نیست، بلکه ایمان امری عمل‌زا و التزام‌آور است. اما جهت این عمل‌زایی و التزام‌آفرینی چیست؟ آیا تنها به برخی تعهدات در زندگی فردی بسنده می‌شود و یا گستره ایمان حقیقی به سطح جامعه هم کشیده می‌شود؟ در پاسخ به این سوالات علامه معتقد است، در جامعه آرمانی اسلامی، ایمان به خدا سرلوحه برنامه زندگی فردی و اجتماعی قرار دارد و زیربنای این ساختمان عظیم است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ص ۳۸). به این ترتیب علامه زیربنای مدینه فاضله را ایمانی می‌داند که خط‌مشیء زندگی فردی و جمعی انسان‌ها است. در تعبیری دیگر، از ایمان به عنوان منبع زاینده‌گی یاد شده است. ایمانی که مثل سرچشمه‌ای فیاض، عمل می‌زاید، ایمانی همراه با تعهد، ایمانی که باری بر دوش مؤمن می‌گذارد، ایمانی که همراه آن عمل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۷۸). ایمانی که توأم با عمل است؛ نه اینکه ایمان مستقل باشد، و بعد عمل به آن اضافه شود. در اثبات این ادعا، متقن‌ترین سند، آیه ۷۲ سوره انفال است. در جایی که ایمان‌داران را کسانی خطاب می‌کند که براساس ایمانشان دست به هجرت زدند و از مال و جانشان گذشتند. این آیه به بهترین وجه درهم تنیدگی ایمان و عمل ناشی از ایمان را نشان می‌دهد. اما غرض و غایت این هجرت چیست؟ آنچه تاریخ‌گویای آن است، هدف از این هجرت، بنای کاخ عظیم جامعه اسلامی است (همان: ص ۸۶). همان مدینه‌النبی که مصداق محقق مدینه فاضله در تاریخ و نماد آیه «والعصر» است. در آیه سوم سوره عصر آمده: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (۳). این استثناء، استثنای از جنس انسان بوده، که محکوم به خسران است، و استثناء‌شدگان افرادی هستند که متّصف به ایمان و اعمال صالح باشند، چنین افرادی ایمن از خسران هستند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۵۷). قرآن ایمان را همواره در کنار عمل و به عنوان انگیزه‌ای برای پیمودن راهی درست به سوی مطلوب، مورد نظر قرار داده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۸۹). شهید مطهری ایمان را اعتقاد و تسلیم نسبت به یک حقیقت برتر می‌داند و همان حقیقت برتر به انسان ایده و آرمان داده و انسان باید عملی متناسب با همان آرمان، هدف و ایده را داشته باشد. پیغمبران همانطور که بشر را به اصل ایمان رهبری کرده‌اند، به نوع عملی که او را به سوی همان ایده، آرمان و همان هدف و مقصد هدایت می‌کند نیز رهبری کرده‌اند (مطهری، ۱۳۹۲: ج ۱۴، ص ۷۵۰-۷۵۳).

دلیل دیگری در این آیه جهت نشان دادن غایت سعادت‌طلبانه حکمت نظری و عملی وجود دارد. در این سوره آمده که همه انسان‌ها در خسران هستند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را توصیه به حق کنند. می‌توان از دو منظر به عبارت «تواصوا» نگریست. یکی از منظر صرفی و دیگری از منظر منطقی. تفسیر و تحلیل از منظر صرفی، در مباحث حکمت عملی خواهد آمد. به لحاظ منطقی، تواصی به

معنای توصیه یا سفارش کردن، دارای دلالت التزامی است؛ یعنی توصیه کردن، تلازم و همراهی شدید با دو معنای دیگر دارد که به صورت بارز در عبارت نیامده، اما غرض گوینده متوجه آن معنای دیگر هم است. توصیه کردن دیگری به امری، در صورتی امکان‌پذیر است که توصیه‌کننده نسبت به آن امر شناخت و گرایش داشته باشد. به عبارت دیگر، فرد توصیه‌کننده به حق، خودش باید حق‌شناس و حق‌گرا باشد، تا نسبت به سفارش کردن تمایل داشته باشد. این ادعا با نظر به اینکه مخاطب «تواصوا» در ابتدای آیه، مؤمنان عامل هستند، تأیید می‌شود. خواجه توصیه به حق را تکمیل عقل نظری دیگران می‌داند (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵ق: ص ۵۲۰)؛ یعنی انسان پس از تکمیل عقل نظری خود، به استكمال دیگران در این زمینه می‌پردازد. در بخش‌های پیشین اثبات شد که می‌توان الهیات به معنای حق‌شناسی را با لحاظ جنبه پذیرشی و گرایشی، مصداق حکمت نظری دانست؛ اینک با تعمق در معنای حق، بر این مدعا صحه گذاشته می‌شود. هر آنچه را که با فطرت انسان و سرشت جهان تطبیق کند، حق گویند. کتاب پیامبران هم حق است، که انسان را در راه طبیعی و در مسیر فطری و روند تکاملی آن پیش می‌راند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۲۵۴). در این معنا از حق هم معنای اعم<sup>۱</sup> حکمت نظری و هم معنای اخص<sup>۲</sup> حکمت نظری به دست می‌آید، و هم اینکه حق در این معنای پیش‌برنده به سوی سعادت است. پس، «تواصوا بالحق» مصداق درهم تنیدگی و اتصال لاینفک حکمت نظری (حق باوری و حق‌گرایی) و حکمت عملی (ظهور و بروز باور و گرایش در رفتار) جهت رسیدن به مصداق «عصر» است.

### ۵. نقش حکمت عملی در تحقق مدینه فاضله

در تعریف حکمت عملی آمده: شناخت اموری که وجودشان در اختیار و فعل انسان است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷). فارابی معتقد است: حکمت عملی از سعادت و شقاوت انسان و ملکات و افعال ارادی انسان در مسیر سعادت و شقاوت بحث می‌کند. انسان مدنی‌الطبع است و رسیدن انسان به سعادت، در اجتماع و در تعامل انسان‌ها با یکدیگر محقق می‌شود (فارابی، ۱۴۱۳ق: ص ۱۳۹-۱۴۲). حکمت عملی براساس تدبیر افعال انسانی بر دو قسم است: قسم اول مربوط به شخص واحد است که از آن به عنوان اخلاق

۱. در تعریف حکمت نظری آمده: شناخت اموری که وجودشان خارج از فعل انسان است و به سه بخش طبیعیات، ریاضیات و الهیات تقسیم می‌شود و مقصود آن حصول رأی است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷).

۲. در ادامه تعریف حکمت نظری، به کاربردهای مصطلح آن در جوامع علمی اشاره شد، که دامنه ضیق‌تری را دربر می‌گرفت (به نقل از: ابن‌سینا، ۱۳۹۵: ص ۴؛ اسدی، ۱۳۹۹).

یاد می‌شود. قسم دوم مربوط به جمعی از انسان‌ها و نیازمند مشارکت است. براساس نوع مشارکت، در دو عرصه خانواده (تدبیر منزل) و جامعه (سیاست مدن) تعریف می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷-۱۰۸). فارابی نیز در «احصاء العلوم» و «التبیه علی سبیل السعاده»، حکمت را به دو بخش صنعت خلقیه و فلسفه سیاسی تقسیم کرده است. هر کدام از اقسام حکمت عملی، نقشی در مسیر تحقق سعادت دارند و مجموع این عناصر و عملکرد آنها در نسبت با حکمت نظری، سازنده مدینه فاضله است.

### ۵-۱. تدبیر افعال فردی (اخلاق) گامی در جهت تحقق مدینه فاضله

ملکات اخلاقی در انسان بر مبنای حکمت نظری و بر مدار حکمت عملی ایجاد می‌شود و رهنمون انسان به سوی سعادت است. فارابی در «سیاسه مدینه» نفس ناطقه را زیربنای اخلاق در انسان می‌داند. او در این اثر بیان مفصلی درباره چگونگی شکل‌گیری فضایل اخلاقی و رفع رذایل اخلاقی در انسان دارد. ماحصل دیدگاه وی این است که نفس ناطقه، وجه ممیزه انسان از حیوان است. انسان از طریق آن می‌تواند زشت و زیبا را از هم تمییز دهد. نفس ناطقه شامل عقل نظری و عملی است که هر کدام به نوعی در شکل‌گیری فضایل اخلاقی نقش دارند. اثر عظیم ایمان و خداشناسی در تنظیم وضع زندگانی و ایجاد ملکات فاضله و تقویت روحی حیات مثبت، مطلبی است که احتیاج به بیان ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۲: ص ۴۹). ایمان راستین زاینده عمل اخلاقی است.

ایجاد ملکات و فضایل اخلاقی در انسان‌ها نقش اساسی در راهیابی به سعادت اجتماع انسانی و تشکیل مدینه فاضله دارد. فارابی در ادامه تبیین کیفیت پیدایش فضایل اخلاقی در سیاست مدینه، به نقش عقل نظری در شناخت سعادت اشاره می‌کند. به این ترتیب عقل نظری به صورت غیرمستقیم در ایجاد ملکات اخلاقی و به صورت مستقیم در شناخت و تشخیص سعادت و جهت‌دهی به عقل عملی، جهت نیل به سعادت حقیقی از مجرای مدینه فاضله ایفای نقش می‌کند. برخی فضایل اخلاقی مانند روابط محبت‌آمیز افراد جامعه، نظم در جامعه، راستی، پاکی، درستکاری، به‌کار بستن نیروی تفکر و استفاده هرچه بیشتر و کامل‌تر از نیروی عقل، از اصول اساسی پیشرفت به‌شمار می‌آیند. اینها کلیات و عناصر ثابتی است که جامعه آرمانی با آنها ساخته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۲: ص ۳۲). به اتکای دو اصل می‌توان نسبت اخلاق فردی در تحقق مدینه فاضله را نشان داد. اول اینکه، کمال اخلاق در جامعه محقق می‌شود. بنابراین، اصل اخلاق تمام نخواهد شد و به کمال نخواهد رسید، جز با یک زندگی اجتماعی صالح، که متکی بر عبادت خداوند باشد؛ زندگی که با مردم براساس عدالت اجتماعی رفتار کند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ص ۸۶). دوم اینکه، تک‌تک انسان‌ها در ساخت جامعه نقش دارند. بنابر این اصل، اسلام تنها به خوبی فرد اکتفاء نکرده و لازم می‌داند که «فرد صالح» به

مصرف ساختمان «اجتماع صالح» برسد (همان: ص ۲۹). در نهایت می‌توان گفت که جامعه در صورتی به سعادت دست خواهد یافت، که اعضای آن دارای فضایل اخلاقی و سلامت فکر و آسایش روح باشند (همان: ص ۴۳).

در سوره عصر نیز بر نقش فضایل اخلاقی در رسیدن به مدینه فاضله اشاره شده است. در آیه سوم دو وجه استناد برای اثبات این مدعا وجود دارد. در این آیه نجات یافتگان از خسران که رو به سعادت دارند، دارای چهار خصوصیت هستند. دو مورد از این خصایل در اخلاق فردی نمود می‌یابد. یکی «عمل صالح» است. عمل صالح اعم از کردار، رفتار و گفتار فردی و اجتماعی است و به طور قطع اخلاقیات را هم دربرمی‌گیرد. یکی از مصادیق اخص آن «صبر» است. در این بخش از آیه، انسان رهیده از شقاوت کسی است که دیگران را به صبر توصیه می‌کند. خواهی، توصیه به صبر را تکمیل عقل عملی دیگران می‌داند (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵ق: ص ۵۲۱). صبر در لغت، به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن نفس است (ابن منظور، بی تا: ج ۴، ص ۴۳۸). بنابر روایات، صبر بر سه قسم است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۹۱). شاید بتوان گفت علت انتخاب این ملکه اخلاقی در این آیه، دو وجه است: وجه اول گستره وسیع صبر، وجه دوم ثمره و نتیجه صبر. در وجه اول: اقسام صبر در بردارنده گستره وسیعی از کنش‌ها و واکنش‌های انسانی بوده که در مجموع ارائه‌دهنده عملکردهای اخلاقی است. صبر با وسعت تعریف خود می‌تواند مبدأ و منشأ بسیاری از ملکات اخلاقی و عامل بازدارنده بسیاری از رذایل اخلاقی باشد. پس، دامنه گسترده این ملکه اخلاقی نوعی جامعیت رفتاری را به همراه دارد. در وجه دوم: در روایتی وارد شده که نتیجه و ثمره صبر، گشایش کارها است (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۵۰). گشایش در انتهای امور نوید از موفقیت و کامیابی دارد. چه بسا انتخاب صبر در انتهای این آیه، نویدی به مؤمنان، جهت نیل به آرمان ابتدایی سوره باشد؛ یعنی تحقق مدینه فاضله. پس «تواصوا بالصبر» بیانگر مرتبه عالی فضایل اخلاقی در عرصه فردی و اجتماعی، جهت نیل به سعادت است.

## ۲-۵. تدبیر افعال جمعی، گامی در جهت تحقق مدینه فاضله

تدبیر افعال جمعی براساس نوع مشارکت، بر دو قسم تدبیر منزل و سیاست مدن است. اما نقش آنها در تشکیل مدینه فاضله، مشترک است.

### ۱-۲-۵. تبیین ماهوی تدبیر منزل در مدینه فاضله

تدبیر منزل به معنای چگونگی اداره امور خانه و نحوه مشارکت مرد با زن و فرزند و خدمتکار (ابن‌سینا،

۱۳۸۷: ص ۱۰۷)، باعث پیوند بیشتر بین اعضاء و جهت‌دهی آنها به سوی سعادت است. فارابی از سرپرست خانواده به عنوان مدبر و رب منزل یاد می‌کند و او را پیونددهنده روابط خانوادگی می‌داند و هدف از نسبت‌های افراد خانواده را آبادانی منزل در مسیر سعادت و حفظ آن معرفی می‌کند. از دیدگاه ایشان، جایگاه مدبر منزل مانند جایگاه مدبر مدینه است. خانواده و مدینه هر دو مانند کالبد آدمی هستند که دارای اعضای گوناگون بوده، و با ترتیب خاص، در کنار هم هستند و هدف واحدی را دنبال می‌کنند (فارابی، ۱۴۰۵ق: ص ۴۰-۴۱). علامه در بررسی آیات مربوط به خانواده، نظراتی دارد: اجتماع انسانی همانند سایر امور روحی و ادراکی انسانی، دائماً به سوی کمال پیش می‌رود. اولین اجتماع بشری، اجتماع خانوادگی است که بر اثر ازدواج پدید آمده است. آفرینش انسان به صورتی است که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگر هستند و هر يك به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است. این نیاز و احتیاج موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و بدین طریق، سکونت و آرامش یابند. به نظر ایشان، این امر از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت است؛ زیرا ساختمان جامعه بشری بر آن استوار می‌شود و به همین سبب است که تعاون و همکاری میان افراد پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۲۸۵). بنابراین، خانواده سنگ بنای جامعه است و به هر سو رو کند، جامعه به آن سمت می‌رود. خانواده‌ای که رو به سعادت دارد، متضمن سعادت جامعه است. پس، مدینه فاضله متشکل از خانواده‌های سعادتمند است.

#### ۲-۲-۵. تبیین ماهوی سیاست مدن در مدینه فاضله

تلاش‌های انسان مدنی الطبع جهت تحقق مدینه فاضله، زمانی ثمربخش است که انسان‌ها تحت تدابیر حکومتی صالح قرار گیرند. سیاست مدن مطالعه اقسام سیاست‌ها و جوامع مدنی و طرق استیفا، زوال و انتقال هر یک از جوامع است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۸). علم به چیزهایی که اهل شهرها و تمدن‌ها با اجتماع مدنی خود به وسیله آن‌ها به سعادت می‌رسند، علم مدنی گویند (فارابی، ۱۳۸۴: ص ۳۱). فارابی انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که سعادت او نه به تنهایی، بلکه در مدینه امکان‌پذیر است. البته مدینه‌ای که در آن مقصود حقیقی از اجتماع تعاون و همکاری، اموری است که موجب حصول سعادت می‌شود (فارابی، ۱۳۶۱: ص ۲۵۵)؛ و این همان مدینه فاضله است. اما چگونه می‌توان تعاون و همکاری و دیگر فضایل انسانی که باعث تحقق مدینه فاضله است را در جامعه ایجاد کرد و گسترش داد؟ علامه مبحث روابط اجتماعی را با مبحث حکومت و سیاست پیوند زده و معتقد است که اجتماع در رشد و نمو و یا توقف و رکود، تابع حکومت‌ها است (طباطبایی، ۱۳۵۳: ص ۱۳-۱۴). فارابی نیل به سعادت را غایت اخلاق می‌داند. این غایت در پرتو عمل به فضیلت عاید بدست می‌آید و راه ایجاد فضیلت در وجود انسان، آن است که افعال و سنن فاضله، پیوسته در

شهرها و میان امت‌ها رایج باشد و همگان مشترکاً آن را به‌کار بندند (فارابی، ۱۳۶۴: ص ۱۰۷)؛ و اینها همه نیازمند حکومتی است که به ترتیب دادن سنن و عادات نیکو در جامعه متعهد باشد (همان: ص ۱۰۲). پس، سعادت‌مندی یا شقاوت‌مندی جامعه، ناشی از حکومت‌ها و تدابیر و سیاست‌های حاکم بر آنها است.

تدبیر مدینه فاضله بر دوش رهبری است که به لباس حکمت نظری ملبّس و حکمت عملی نقشه راه او در اداره امور است. فارابی رکن اصلی و اساسی مدینه را رئیس و رهبر مدینه می‌داند. از نظر او، نسبت رئیس اول به مدینه مانند نسبت سبب اول است به عالم. نخست باید او استقرار یابد، تا هم مدینه و اجرای آن شکل گیرد و هم ملکات ارادی اجزاء و افراد آن و ترتّب مراتب آنها تحقق یابد. در این میان، اگر عضوی از اعضای آن مختل گردد، اوست که برای برطرف کردن آن، به او مدد می‌رساند. وی که به واسطه تخیل و یا از طریق عقل و حکمت به عقل فعال متصل می‌شود، با دریافت فیض الهی، سبب تکوین و تنظیم امور مدینه شده و رفع‌کننده اختلالات است (فارابی، ۱۳۶۱: ص ۲۵۲-۲۶۰). او دوستی و وحدت در جامعه را بر مبنای فضیلت و حول محور رئیس مدینه فاضله می‌داند و هرکسی باید تجربه و نیروی خود را در خدمت سیاست فاضله و رئیس مدینه فاضله قرار دهد (فارابی، ۱۳۸۴: ص ۲۸). فارابی درباره خصوصیات رئیس مدینه، بسیار سخن رانده است، اما عصاره مطلب که تمام ویژگی رهبر را در یک واژه می‌شناساند و جامع حکمت نظری و عملی در شخص رئیس است، همان قابلیت او برای اتصال به عقل فعال و دریافت فیض است. به این لحاظ مدبّر تدبیرکننده مدینه فاضله از جمیع جهات، دارنده حکمت است و براساس حکمت، به تدبیر امور مدینه فاضله می‌پردازد. علامه نیز با بیانی ساده به این مطلب اذعان دارد که: خدا برای مردم شریعتی وضع کرده که جامع همه راه‌های سعادت بوده و این قانونگذاری از طریق نبوت انجام گرفته است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۹). نبی برای سامان دادن و آراستن نظام انسانی مطابق فطرت و در جهت تکامل بخشیدن به اجتماع بشری، گام برمی‌دارد، تا بشر را به سمت حق برگرداند. بشری که سرشتی همساز با سرشت جهان دارد، آنگاه به مسیر طبیعی و فطری خود که راه تکامل اوست، درمی‌آید، که در مجرای نظامی الهام گرفته از فطرت انسان و جهان قرار گیرد و با مقرراتی متناسب با ساختمان روحی و جسمی‌اش، به وسیله نبی اداره شود، تا با شتاب طبیعی به سوی تکامل مقدر خویش پیش رود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۲۹۵). هرچند که در این عبارات از نبی به عنوان رئیس مدینه یاد شده است، اما حیات مادی نبی به طور طبیعی پایان‌پذیر است و براساس حکمت الهی، با پایان عمر نبی، نباید طومار مدینه فاضله درهم پیچیده شود. به طور قطع جانشینانی از جنس نبی وجود دارند که بر مدینه حاکم شوند. لکن بررسی و شناسایی جانشین نبی، خارج از گستره و اهداف این نوشتار است. لذا، به آن پرداخته نمی‌شود و از نبی به عنوان اولین مصداق رئیس مدینه فاضله که دارای جانشینان برحق

است، یاد می‌شود. به این ترتیب رئیس مدینه فاضله مصداق اتم و اکمل شمولیت حکمت نظری و عملی در راستای تحقق مدینه فاضله است.

### ۳-۲-۵. تدبیر منزل و سیاست مدن، گامی در جهت تحقق مدینه فاضله

در آیه سوم سوره عصر، راه نجات انسان از خسران، در تحقق اجتماعی حکمت نظری و عملی دانسته شده است. به کار بردن «الذین» و افعال جمع در این آیه، نشان از مورد خطاب بودن گروه انسان‌ها است. آیت‌الله جوادی در تفسیر این سوره بیان می‌کند: از چهار کار نامبرده، دو مورد مربوط به اصلاح فرد و دو مورد دیگر مربوط به اصلاح جامعه است: «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا» و «عَمِلُوا الصَّالِحَات» مربوط به فرد است، «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»، یعنی سفارش کردن یکدیگر به ایمان راستین و «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»، یعنی فراخواندن یکدیگر به بردباری و شکیبایی، مربوط به اصلاح جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۷، ص ۳۱۷). فعل «تواصوا» به لحاظ صرفی در باب تفاعل است. باب تفاعل کاربردهای متعددی دارد، اما غالباً در معنای مشارکت به کار می‌رود. براین اساس، در این آیه توصیه کردن یکدیگر به حق و صبر، بیانگر پدیده‌ای متقابل بین افراد و تماماً اجتماعی است. امام موسی صدر معتقد است، انسان به تنهایی نمی‌تواند راه درست را بییماید؛ وگرنه منفعل و گمراه می‌شود. آدمی با گروه موفق می‌شود، به همین دلیل باید به طور متقابل سفارش به حق کند و چون راه (خط ایمان و عمل صالح) دشوار است، پس باید یکدیگر را به صبر سفارش کنند ... تا قدرتمند شوند و از بین نروند. از این رو مصلحان می‌کوشند تا جامعه را حتی در یک محدوده کوچک اصلاح کنند. پس، سفارش کردن به معنای همکاری و زندگی در یک مجموعه است، و این عمل یکی از واجبات مؤمن است. در هیچ عصری انسان مؤمن نمی‌تواند راه خود را به تنهایی ادامه دهد، بلکه باید گروه و جماعتی تشکیل دهد؛ زیرا در غیر این صورت از بین خواهد رفت (صدر، ۱۳۹۱: ص ۲۵۴-۲۸۵). کاربرد تواصی در این باب مؤکد مدینه فاضله بودن «عصر» در آیه اول است؛ چراکه رهایی بشر از خسران، با امر جمعی تحقق می‌یابد. پس، سعادت او هم رو به سوی پدیده‌ای جمعی یعنی تحقق مدینه فاضله دارد. «تواصی» در این آیه بر دو امر تعلق گرفته است. اولین مورد «حق» است. هرچند که حق در وهله نخست، ناظر بر حکمت نظری است، اما معنای عام حق مشتمل بر حکمت عملی نیز می‌شود. علامه معتقد است که تواصی بر حق، عنوانی بسیار وسیع است. حتی از عنوان امر به معروف و نهی از منکر وسیع‌تر است. چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی‌شود، ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف، و هم شامل عناوین مذکور است (طباطبایی، بی تا: ج ۲۰، ص ۳۵۸). پس در دیدگاه علامه، حق مفهومی عام و دربردارنده حکمت نظری و عملی است. توصیه به صبر، هم به لحاظ دلالت مطابقی، ناظر بر امر اجتماعی است و هم

به دلالت تضمنی؛ چراکه اقسام صبر شامل صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه است. دو قسم از این سه قسم، یعنی صبر هنگام مصیبت و صبر بر ترک گناه، خالی از جنبه‌های اجتماعی نیست. مصیبت هم خودش ممکن است مصیبت اجتماعی باشد، و هم کنش‌های شخص مصیبت دیده به لحاظ اجتماعی بودن زندگی بشر می‌تواند پیامدهای اجتماعی داشته باشد. گناه نیز در اکثر مصادیق، پدیده‌ای اجتماعی است. به همین دلیل یکی از راه‌های سلوک معنوی عزلت و رهبانیت است. در نتیجه «تواصوا» که خود امری اجتماعی است، بر دو متعلق اجتماعی تعلق گرفته که هر دو مشتمل بر حکمت نظری و عملی است و این «تواصوا» رو به سوی سعادت اجتماعی بشر دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این نوشتار نقش حکمت در تحقق مدینه فاضله با محوریت تفسیر سوره عصر بررسی شد. نتایج حاصل به شرح ذیل است:

حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری در الهیاتی بیش‌گرا که دارای روح پویا و عمل‌گرایانه است و ایمان نامیده می‌شود، تبلور می‌یابد. ایمان حقیقی همواره مشتمل بر عمل صالح است و رو به سوی سعادت دارد و تحقق کامل سعادت دنیوی جامعه بشری، در مدینه فاضله مصادق می‌یابد. حکمت عملی در دو قسم تدبیر افعال فردی (اخلاق) و تدبیر افعال جمعی (خانواده و جامعه) قابل ملاحظه است. هرکدام از این اقسام نقش مؤثری در مسیر تحقق مدینه فاضله دارند. به فعلیت رسیدن اخلاق فردی و عمل اخلاقی، ناشی از ایمان راستین است. در صورتی که اعضای جامعه دارای فضایل اخلاقی باشند و از رذایل تبری بجویند، مدینه فاضله محقق می‌شود. مدینه فاضله متشکل از خانواده‌هایی است که تحت تدبیر افراد با ایمان حقیقی هستند. سعادت‌مندی جامعه که در مدینه فاضله مصادق می‌یابد، ناشی از تدابیر و سیاست حاکمه و برعهده رئیس مدینه است. رئیس مدینه نماد اتم و اکمل شمولیت حکمت نظری و عملی در راستای تحقق مدینه فاضله است.

در سوره والعصر، «عصر» نماد مدینه فاضله است. ایمان و عمل صالح و تواصی به حق و تواصی به صبر، راهکارهای عملی رسیدن به مدینه فاضله است. ایمان و حق مصادیق حکمت نظری و عمل صالح و صبر، مصادیق حکمت عملی هستند. قرار گرفتن این مصادیق در کنار هم و عطف آنها به یکدیگر و تحلیل منطقی «تواصوا» و غایت واحد آنها و کاربرد ضمایر و افعال به صورت جمع و تحلیل صرفی «تواصوا»، گواه بر آموزه‌های جمعی این سوره، مبتنی بر بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی، جهت نیل به سعادت جمعی (مدینه فاضله) است.

## منابع

## قرآن کریم

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۵). *الهیات از کتاب شفاء*. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۷). *رساله اقسام الحکمه. جاویدان خرد*، (۱)۵.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر، ج ۴.
- اسدی، محمدرضا (۱۳۹۹). *حکمت عملی در حکمت متعالیه*. جزوه دوره دکتری. تهران: دانشکده ادبیات، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *آفاق اندیشه*. قم: اسراء، ج ۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی، چاپ بیست و ششم.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب إلى الصواب*. قم: الشریف الرضی، ج ۱.
- صدر، موسی (۱۳۹۱). *برای زندگی*. ترجمه مهدی فرخیان. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیرالمیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۴، ۶، چاپ یازدهم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۳). *قرآن در اسلام*. مصحح: رضا ستوده. تهران: دارالاسلامیه، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا، ج ۴، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲). *روابط اجتماعی در اسلام*. ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۸، ۲۰.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۱). *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: ظهوری، چاپ دوم.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۴). *احصاء العلوم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۱). *التنبیه علی سبیل السعاده، فی الاعمال الفلسفیه*. تهران: حکمت.
- فارابی، ابونصر (۱۳۸۴). *سعادت از نگاه فارابی (ترجمه تحصیل السعاده و التنبیه علی سبیل السعاده)*. ترجمه علی اکبر جابری مقدم. قم: دارالهدی، چاپ دوم.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق). *فصول منتزعه*. تهران: الزهراء، چاپ دوم.
- فارابی، ابونصر (۱۴۱۳ق). *الاعمال الفلسفیه*. تحقیق جعفر آل یاسین. بیروت: دارالمناهل.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۲.
- محللاتی شیرازی، صدرالدین (۱۳۶۲). *تفسیر سوره والعصر*. تهران: نوید.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *آشنایی با قرآن*. تهران: صدرا، ج ۱۴.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۵ق). *رسائل خواجه نصیرالدین*. بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم.
- نوری، محمدعلی (۱۳۹۶). *نسبت حکمت عملی با شاخه‌های آن در اندیشه فارابی*. هستی و شناخت، شماره ۲.